

زبان مشترک موسیقی و معماری

سیروان بهرامی^۱، نادر زندی^۲، علی حجت^۳

۱-دکترای شهرسازی و برنامه ریزی شهری، مدرس دانشکده معماری دانشگاه آزاد واحد سنندج

۲-کارشناس ارشد معماری، سرپرست کارگروه معماری خانه هنرمندان کرد

۳-دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم تحقیقات تهران

چکیده:

موسیقی و معماری از گرایش‌های اصیل هنر می‌باشند، در دنیا موسیقی‌های بسیاری وجود دارد که هر کدام دارای معنا و مفهومی خاص می‌باشند، موسیقی به عنوان بخشی از فرهنگ هر منطقه دارای زبان مختص به خود است، این امر در معماری نیز بعنوان یکی از شاخه‌های هنر تبلور پیدا کرده است. معماری به واسطه‌ی ژرفای مفاهیم هنری که از آن برخوردار است با دیگر هنرها تشابهات معنایی فراوانی دارد که در هنر موسیقی نمود بیشتری دارد، این دو هنر در ساخت فضا مشارکت می‌کنند؛ موسیقی فضای معنوی ایجاد می‌کند و معماری فضای مادی و این یکی از دلایلی است که از واژگان و ساختار واحد برخوردارند.

در این پژوهش فرض بر آن است که هنرها و به‌ویژه موسیقی و معماری دارای اشتراکات زبانی و بیانی می‌باشند و در جهت تدوین زبان مشترک این دو هنر تنظیم شده است و در پی آن است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و انجام مطالعات کتابخانه‌ای اشتراکات زبانی ما بین موسیقی و معماری را کشف نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که موسیقی و معماری دارای زبانی مشترک می‌باشند که می‌توان آنرا در ساخت یک فضای سازمان دهی شده در کنار یکدیگر قرار داد و به ساخت فضای مطلوب دست یافت.

کلمات کلیدی: موسیقی، معماری، مشترکات، معنا.